



مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی  
(مرکز پژوهش‌های ایرانی اسلامی)

مجموعه مقالات

پنجمین همایش ملی زبان‌های گویش‌های ایران  
۱۳۹۹

(گذشته و حال)

پژوهش  
محمود جعفری دینی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

همایش بین‌المللی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی (پنجمین: ۱۳۹۹؛ تهران)  
مجموعه مقالات پنجمین همایش بین‌المللی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی (گذشته  
و حال)، به کوشش محمود جعفری دهقی. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی،  
مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی ۱۴۰۱  
۵۲۰ ص. جدول، نمودار. - (مجموعه پژوهش‌های ایران‌شناسی: ۶)  
\* ص ۷. به انگلیسی:

«Proceedings of the fifth International Conference on Iranian Languages and  
Dialects (past and present)»

\* کتابنامه و باورقی

\* فارسی و انگلیسی

۱. زبان‌های ایرانی -- گویش‌ها -- کنگره‌ها ۲. زبان‌های ایرانی -- کنگره‌ها  
الف. جعفری دهقی، محمود، ۱۳۲۹. ب. عنوان.

PIR ۳۲۰۷ . HA ۱۴۰۱

۴ فا ۹

کتابخانه ملی ایران

قلم‌شعاعی استفا دوشده در غما وین میزانا مده ارفه قلم میز ایرا ی خط میز خستلا شمعان  
توسط امیرمیرمندی طابع و بسید نرم افرا می میشتیر شده

مجموعه مقالات

پنجمین همایش ملی زبان‌ها و گویش‌های ایران  
۱۳۹۹

(گذشته و حال)

|                            |                                                                                 |
|----------------------------|---------------------------------------------------------------------------------|
| نام کتاب                   | مجموعه مقالات پنجمین همایش بین‌المللی<br>زبان‌ها و گویش‌های ایران (گذشته و حال) |
| به‌کوشش                    | محمود جعفری‌دهقی                                                                |
| ناشر                       | مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی<br>(مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی)               |
| صفحه‌آرا                   | مهسا مهرانی                                                                     |
| امور هنری و نظارت بر تولید | استودیو ایران‌شهر                                                               |
| مدیر هنری و طراح           | رضا فرزانه‌یار                                                                  |
| لیتوگرافی                  | شارپ                                                                            |
| چاپ                        | شادریگ                                                                          |
| صحافی                      | معین                                                                            |
| چاپ نخست                   | ۱۴۰۱                                                                            |
| شمارگان                    | ۲۰۰ نسخه                                                                        |
| شابک                       | ۹۷۸-۶۲۲-۵۵۱۰-۵۵-۵                                                               |
| شابک دوره                  | ۹۷۸-۶۰۰-۶۳۲۶-۲۵-۷                                                               |



مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی (مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی) به آینده‌ای پایدار می‌اندیشد.  
و ملاحظات زیست‌محیطی را در همه مراحل چاپ و نشر در نظر می‌گیرد.



مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی  
(مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی)

۱۳۶۲

مجموعه مقالات

پنجمین همایش ملی زبان‌های گویش‌های ایران  
۱۳۹۹

(گذشته و حال)

پیش

محمود جعفری دهنی

تهران

۱۴۰۱



مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی  
(مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی)

بنیان‌گذار و سرپرست علمی: کاظم موسوی بجنوردی  
تأسیس: اسفندماه ۱۳۶۲

مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی (مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی)، مؤسسه‌ای غیردولتی، مردم‌نهاد و سازمانی علمی - پژوهشی است که با هدف تألیف و تدوین دائرة المعارف‌های عمومی و تخصصی در اسفندماه سال هزار و سیصد و شصت و دو تأسیس شده است.

بخش انتشارات، با نشر آثار علمی و تحقیقی، اهداف این مرکز را به‌منظور شناخت و گسترش فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی پیگیری و تأمین می‌کند.

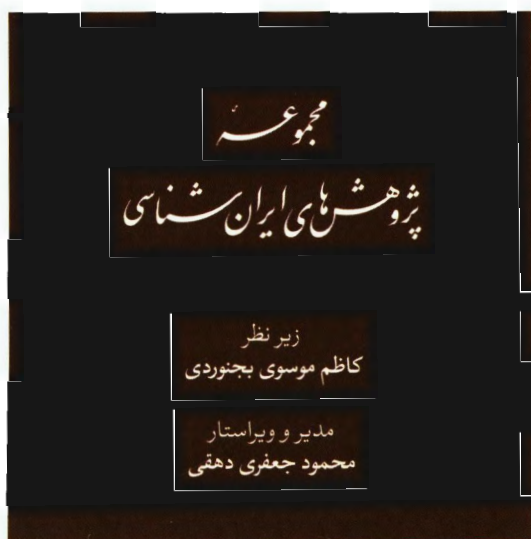
انتشارات مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی  
مدیر: محسن موسوی بجنوردی  
مدیر اجرایی: بهاره بادافراس

نشانی: تهران، نیاوران، کاشانک، صندوق پستی ۱۹۵۷۵/۱۹۷  
تلفن: ۲۲۲۹۷۶۲۶ | دورنگار: ۲۲۲۹۷۶۶۳  
پست الکترونیک: [centre@cgie.org.ir](mailto:centre@cgie.org.ir)  
[www.cgie.org.ir](http://www.cgie.org.ir)

• حق چاپ محفوظ است •

مجموعه  
پژوهش‌های ایرانی‌شناسی





### هیأت تحریریه

زنده‌یاد محمد ابراهیم باستانی پاریزی (دانشگاه تهران، ایران) | محمود جعفری دهقی (دانشگاه تهران، ایران)  
کارلو چرتی (دانشگاه ساپینزا، ایتالیا) | حسن رضایی باغبیدی (دانشگاه تهران، ایران)  
زهره زرشناس (پژوهشگاه علوم انسانی و فرهنگی، ایران) | نیکلاس سیمز ویلیامز (دانشگاه لندن، انگلستان)  
علی اشرف صادقی (دانشگاه تهران، ایران) | زنده‌یاد بدرالزمان قریب (دانشگاه تهران، ایران)  
آلبرتو کانتر گلرا (دانشگاه سالامانکا، اسپانیا) | فیلیپ کرین بروک (دانشگاه گوتینگن، آلمان)  
فتح الله مجتبابی (دانشگاه تهران، ایران) | مهدی محقق (دانشگاه تهران، ایران)  
حسین معصومی همدانی (مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ایران)  
کاظم موسوی بجنوردی (مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ایران) | اوتو هنکل من (دانشگاه برلین، آلمان)

## یادداشت

در پی انتشار «مجموعه پژوهش‌های ایران‌شناسی»، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، پنجمین جلد از این مجموعه را با کمال افتخار به جامعه علمی کشور تقدیم می‌کند. آثاری که در این مجموعه ارائه می‌شود، شامل آخرین دستاوردهای دانشمندان و پژوهشگران در زمینه مسائل و منابع ایران‌شناسی و زبان‌شناسی و فرهنگ سرزمین بزرگ ایران خواهد بود.

اثر حاضر مجموعه مقالات پنجمین همایش بین‌المللی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی است که در سال ۱۳۹۹ در مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی برگزار شد. در این همایش برپار، زبان‌شناسان، متخصصان و پژوهشگران مقالاتی درباره آخرین دست‌آوردها در زمینه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی ارائه کردند که اینک به لطف و یاری خداوند در دست خوانندگان ارجمند قرار می‌گیرد.

اعضای هیأت تحریریه مجموعه مطالعات ایران‌شناسی، از ایران‌شناسان برجسته و صاحب‌نظرانند و هریک آثار ارزنده‌ای در دانش ایران‌شناسی و فرهنگ متعالی این سرزمین پدید آورده‌اند. امید است این مجموعه همراه آثار دیگر، مانند دانشنامه ایران باستان و دانشنامه زبان‌ها و گویش‌های ایران که در حال شکل‌گیری است، در شناسایی فرهنگ سترگ و ارزشمند ایران به جهانیان جایگاهی ارجمند یابد و دل‌بستگان به فرهنگ و تمدن این سرزمین را با گذشته درخشان آن بیشتر آشنا کند.

کاظم موسوی بجنوردی  
رئیس مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی  
(مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی)  
۲۳ بهمن‌ماه ۱۴۰۱



## سراغزار

سپاس خدای بزرگ را که فرصتی دیگر به دست آمد تا به هدف پاسداری از فرهنگ و زبان‌های ایران بزرگ، مجموعه مقالات پنجمین همایش بین‌المللی زبان‌ها و گویش‌های ایران را به حضور شما دوستان فرهنگ و تمدن ایران عزیز تقدیم کنیم. زبان‌ها و گویش‌های ایران اسناد هویت ملی، دینی و فرهنگی ماست. پژوهش، حفظ و معرفی این اسناد که یکی از مهم‌ترین گنجینه‌ها و ذخائر ملی ماست، خویشتکاری همه دوستان فرهنگ و تمدن ایران زمین است.

زبان‌های ایرانی شاخه‌ای از زبان‌های هند و ایرانی است و از خانواده زبان‌های هند و اروپایی به شمار می‌رود. زبان اوستایی احتمالاً به موازات و هم‌زمان با سانسکریت جریان داشته است. اقوام ایرانی مجموعه بزرگی شامل مادها، پارس‌ها و پارت‌ها در فلات ایران، کیمری‌ها و شاخه دیگری از سکاهای سرمت‌های منطقه اوکراین، آسی‌ها در منطقه قفقاز، سغدها، خوارزمیان، ختنی‌ها، هپتالیان و یوئه‌چی‌ها در آسیای میانه‌اند. گروهی از این اقوام مانند مادها و پارس‌ها در حدود هزاره نخست پیش از میلاد به فلات ایران وارد شدند و در دامنه‌های زاگرس سکونت یافتند و با اقوام بومی ایران درآمیختند. دو قوم ماد و پارس بعدها در سده‌های هشتم و هفتم پیش از میلاد حکومت‌های ماد و هخامنشی را تشکیل دادند.

زبان‌های ایرانی باستان شامل زبان‌های مادی، فارسی باستان، اوستایی و سکایی، و زبان‌های ایرانی میانه شامل زبان‌های پارتی، پهلوی، سغدی، ختنی، خوارزمی و بلخی، به واسطه وجود سه امپراتوری جهانی هخامنشی، اشکانی و ساسانی در فلات ایران و بیرون از آن گسترش یافت. به همین روی گستردگی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی به گونه‌ای است که امروزه بخش قابل توجهی از آن‌ها در بیرون از مرزهای جغرافیای سیاسی ایران قرار گرفته است. این زبان‌ها حامل فرهنگ و جهان‌بینی ایرانی‌اند و این فرهنگ را در سراسر جهان ایرانی منتشر می‌سازند. نگاهی به برخی شاخه‌های زبان‌های ایرانی تنوع و گستردگی این زبان‌ها و گویش‌های آن را نشان می‌دهند. درحال حاضر زبان‌ها و گویش‌های آسی، تالشی و کردی در مناطقی از قفقاز، داغستان، گرجستان، ارمنستان و اران تکلم می‌شود. گروهی از زبان‌ها و گویش‌های شرقی ایران در تاجیکستان، افغانستان، پاکستان، کشمیر، پنجاب و سند تا سین کیانگ در شمال غربی چین رواج دارند. بخش مهمی از گویش‌های جنوب غربی ایران تا کشورهای جنوبی خلیج فارس گسترده شده‌اند. همچنین، به کوشش شعرا و ادبای ایرانی، زبان فارسی دری در دوران اسلامی بخش قابل توجهی از شبه‌قاره هند، آسیای میانه و آسیای صغیر را فراگرفت. این زبان برای سده‌های متمادی به عنوان زبان علمی و ادبی در این گستره بزرگ به کار می‌رفت.

افزون بر زبان های ایرانی همچون کردی، بلوچی، لری و جز آن، زبان های ترکی و عربی نیز که گروه بسیاری از هم میهنان ایرانی با آن ها تکلم می کنند، سبب غنای فرهنگی و علمی زبان های ایرانی بوده و همواره به ارزش آن ها افزوده است. در واقع زبان فارسی به عنوان زبان رسمی به منزله یکی از عوامل و عناصر اتحاد و یگانگی میان همه ایرانیان به شمار می آید. این زبان از چنان گنجینه فرهنگی، ادبی و علمی سترگی برخوردار است که از دیرباز همه ایرانیان را به هم پیوند داده هیچ عاملی توان جدایی آن ها را از یکدیگر نداشته است.

به همین سبب، امروزه بر این باوریم که زبان فارسی تنها از آن ایرانیان نیست، بلکه میراث مشترک ملت های مشرق زمین است. این میراث از آن مردم ایران، هند، پاکستان، افغانستان، تاجیکستان، ترکیه و اقوام پرشماری است که در طول سده ها اندیشه های فلسفی، و عواطف و احساسات ادبی خود را با آن پرورش داده و به تکامل رسانده اند.

بنابراین، امروزه ابزار بسیار ارزشمندی به نام زبان های ایرانی در اختیار ما است که با پاسداری از آن می توان تاریخ، فرهنگ و هویت خود را به جهان عرضه کنیم و بنای رفیعی از رابطه فرهنگی و دوستی میان ایران امروز و سرزمین هایی که زبان های ایرانی در آن رواج دارد برقرار سازیم.

با همین هدف مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی برنامه نخستین همایش بین المللی زبان ها و گویش های ایرانی را در سال ۱۳۹۱ بنیاد نهاد و در سال های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۹ به ترتیب، دومین، سومین، چهارمین و پنجمین همایش بین المللی زبان ها و گویش های ایران را برگزار نمود. دستاوردهای این پنج دوره همایش یکی ارائه مجموعه سخنرانی هایی بود که از سوی استادان و پژوهشگران زبان های ایرانی ارائه شد و به لطف الهی و همت زیاست محترم مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی و همکاران سخت کوش بخش انتشارات مرکز، اکنون چاپ شده و در اختیار علاقه مندان قرار گرفته است. دودگر آشنایی دانشجویان و جوانان جستجوگر با مبانی زبان های ایرانی طی برپایی همایش از طریق آشنایی با استادان و پژوهشگران زبان های ایرانی است. سدیگر این که پس از اجرای نخستین همایش بین المللی زبان ها و گویش های ایرانی، دبیرخانه دائمی همایش بین المللی زبان ها و گویش های ایران (گذشته و حال) در مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی گشایش یافت و در پی آن با عنایت ریاست محترم مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی و همت همکاران دبیرخانه همایش، مقدمات برپایی همایش های سپسین زبان ها و گویش های ایرانی را تدارک دید. دبیرخانه همایش پس از اعلان فراخوان، با استقبال گرم و پیگیر استادان و دانشجویان داخلی و خارجی مواجه شد. روی هم رفته هفتاد و دو چکیده مقاله به دبیرخانه همایش رسید که پس از داوری اولیه، تعداد ۴۵ چکیده مقاله با محورهای همایش مربوط شناخته شد. دبیرخانه همایش سپس از نویسندگان مقالات درخواست نمود که اصل مقالات خود را ارسال نمایند. پس از دریافت اصل مقالات و داوری آن ها، در نهایت ۳۰ مقاله برای سخنرانی و چاپ در مجموعه مقالات برگزیده و اعلام شد.

در خاتمه وظیفه خود می دانم که نخست از مساعی و حمایت بی دریغ جناب آقای سید کاظم موسوی بجنوردی ریاست محترم مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی در برپایی این همایش و چاپ مجموعه مقالات نخستین، دومین، سومین و چهارمین همایش بین المللی زبان ها و گویش های ایران (گذشته و حال) سپاسگزاری کنم. افزون بر این، سپاس خود را به مناسبت همکاری ارزشمند استادان فرزانه اعضای شورای عالی مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی و نیز استادان دیگر دانشگاه ها در برپایی این همایش گرامی تقدیم می دارم.

بار سنگین اجرای این همایش به ویژه بر دوش جناب آقای مهندس علی بجنوردی و تیم همکار ایشان، و نیز دبیران اجرایی، به ویژه خانم خان احمدی و کمیته فنی، بخش انتشارات مرکز، جناب آقای محسن بجنوردی، خانم بادافراس و همکاران محترم ایشان، دبیرخانه و تمامی همکاران مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی بوده است. اطمینان دارم که بدون یاری آن ها در این راه توفیقی حاصل نمی شد. به این مناسبت سپاس خود را به همه همکاران مرکز تقدیم می دارم. امید است انتقادات و ارشادات خود را با دبیرخانه دائمی همایش در میان بگذارید.

محمود جعفری دهقی<sup>۱</sup>

---

۱. استاد دانشگاه تهران و عضو شورای عالی مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی و دبیر علمی همایش



# فهرست

- ۱ وجه، نوع و ساخت جملات شرطی زبان پهلوی: دستگاه مضارع روشنک آذری
- ۱۹ مفهوم اصطلاح نصورای در کتیبه کردیر بر کعبه زردشت آزاده آزادی نژاد و روزبه زرین کوب (نویسنده مسئول)
- ۳۷ سرچشمهٔ زبانی حماسه سرایی در ایران باختری آرش اکبری مفاخر
- ۶۱ گویش شناسی: سیر تحول روش شناسی از گذشته تا امروز حمیده پشتوان و مهناز طالبی دستنایی
- ۷۷ گزارش یک متن پهلوی دربارهٔ بزرگترین و بهترین رود در اساطیر ایران محمود جعفری دهقی
- ۸۳ ماده سازها در گویش خوانساری احمد رضا دانائی
- ۱۰۵ پسوند اشتقاقی «-ان»: پسوند «مراسم واژه» در فارسی شادی داوری
- ۱۲۵ تحلیل فرایند حذف در گویش سیستانی براساس نظریه واج شناسی خودواحد منصوره دلارامی فر و عباسعلی آهنگر
- ۱۴۹ واکاوی پررنگ کم کوشی و تلفظ خطی در واژگان زبان لکی ایرج دلفانی
- ۱۵۵ صرف فعل در زمان های ماضی ساده، استمراری و بعید به گویش گیلکی کلای
- نسیم رضایی فر
- ۱۷۵ معمایی به زبان سغدی زهره زرشناس
- ۱۸۵ بلوچی و واو معدوله فارسی محمد اکبر سپاهی و عبدالرضا سیف
- ۱۹۷ یادداشتی دربارهٔ زبان فارسی در روستای نای از توابع کاشمر علی اشرف صادقی
- ۲۰۵ فراوانی، کاربرد و بررسی تحولات آوایی برخی از اصطلاحات عامیانه در گویش بردجی از توابع شیراز الهه صف شکن



|     |                                                                                                                 |
|-----|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۲۱۵ | واژگان مندایی بر کتیبه آرامی مهرداد (کتیبه آرامی متسخته)                                                        |
|     | الهام فرجی بیرگانی و سهیلا صلاحی مقدم                                                                           |
| ۳۰۷ | کهن‌ترین شاهد از آرایه ادبی «لف و نشر» در متنی به فارسی میانه مانوی                                             |
|     | سمیرا قنبرنژاد                                                                                                  |
| ۲۴۱ | بررسی تفاوت‌های زبان جنسیتی در بین گویشوران لری خرم‌آبادی                                                       |
|     | نوش‌آفرین کلانتر                                                                                                |
| ۲۵۳ | ساختمان فعل در گویش تاتی شمال خراسان                                                                            |
|     | ابراهیم کنعانی                                                                                                  |
| ۲۷۷ | فارسی در برخورد با انگلیسی                                                                                      |
|     | مجدالدین کیوانی                                                                                                 |
| ۲۸۵ | تحلیلی آماری بر هزوارش‌های متون پهلوی                                                                           |
|     | فرزانه گشتاسب، نادیا حاجی‌پور و مسعود قیومی                                                                     |
| ۳۰۹ | کاربرد ماده‌های ماضی جعلی با پسوند -ist- در گویش روستای گیجالی                                                  |
|     | سیمین‌دخت گودرزی                                                                                                |
| ۳۲۱ | واژه‌های مفرد خوئینی                                                                                            |
|     | اکبر محمدی                                                                                                      |
| ۳۴۳ | بررسی وام‌واژه‌های زبان عربی در زبان بلوچی                                                                      |
|     | موسی محمودزهی                                                                                                   |
| ۳۶۵ | بررسی صفات منظومه «باگین بَشْگَرْد» در ادبیات بلوچی (با رویکرد زبان‌های ایرانی)                                 |
|     | موسی محمودزهی                                                                                                   |
| ۳۸۷ | ساختار فعل در گویش بهمنی                                                                                        |
|     | روح‌الله مرادی‌نژاد                                                                                             |
| ۴۱۵ | تحول فاء اعجمی یا صامت دولبی سایشی واکدار β از زبان طبری کهن تا زبان مازندرانی                                  |
|     | محمدعلی میرزایی جدیداسلامی و حمیده ابراهیمی                                                                     |
| ۴۳۵ | بررسی آکوستیکی فرایند واجی ناهمگونی در گویش رامسری                                                              |
|     | عاطفه سادات میرسعیدی                                                                                            |
| ۴۴۹ | بررسی نوعی خاص از فعل‌های ماضی لازم و متعدی در متن فارسی میانه ارداویراف‌نامه                                   |
|     | آزاده میرکمالی رابینی و محمد مطلبی                                                                              |
| ۴۶۷ | تنوع معنایی ساختار ترکیبات فعلی درگونه لکی                                                                      |
|     | فرانک نادری و ابراهیم بدخشان                                                                                    |
| ۴۸۱ | Exploring Early Gilaki:<br>An Outline of its Lexicon Based on a Manuscript from 14th Century CE<br>Babak Sharif |

## وجه، نوع و ساخت جملات شرطی زبان پهلوی: دستگاه مضارع

روشنک آذری<sup>۱</sup>

### چکیده

جملات شرطی همواره یکی از موضوعات با اهمیت در حوزه‌های معنی‌شناسی، کاربردشناسی و فلسفه زبان بوده و با رویکردهای مختلفی به آن پرداخته شده است. هدف از این تحلیل توصیفی، با رویکرد در زمانی، بررسی تنوع ساخت جملات شرطی در دوره میانه زبان فارسی، بر اساس زمان‌های دستوری بکار رفته در آن‌هاست. این پژوهش برای افعال زبان پهلوی در دستگاه مضارع صورت گرفت و پیکره انتخاب شده کتاب روایت پهلوی بود. بررسی مشخص کرد که برای ساخت جملات شرطی پهلوی در بند شرط یا جواب شرط، تنوع زیادی در کاربرد فعل‌های دستگاه مضارع با وجوه اخباری، التزامی، خواستاری و امری وجود داشته و علاوه بر زمان‌های دستوری، کاربرد فعل غیرشخصی، جمله اسمیه و اسم مصدر نیز در بند شرط و جواب شرط رایج بوده است. حذف به قرینه لفظی بند شرط یا جواب شرط و جابجایی بندها نیز در چندین جمله مشاهده شد. در این تحلیل، زمان دستوری مضارعی که شناسه صرفی خاص فعل شرطی یا وجه شرطی داشته باشد مشاهده نگردید. بدین ترتیب وجه شرطی تنها در تشکیل یک نوع جمله مرکب ناهم‌پایه و به کمک حرف ربط وابسته‌سازی که بیانگر شرط و احتمال و عدم قطعیت است، خود را نشان می‌دهد و در جملات مستقل ساده وجود ندارد. در متن روایت پهلوی، برای نشان دادن وجه خواستاری، شیوه‌ای متفاوت با شیوه معمول ساخت فعل مضارع خواستاری مشاهده شد که با افزودن یکی از ادات 'ē' یا 'ēd' پیش از مضارع اخباری بود. ساخت جدید، بالعکس صورت پیشین مضارع خواستاری که غالباً به صیغه سوم شخص مفرد

محدود گشته بود، صرف این فعل را در شخص و شمارهای گوناگون میسر می‌کرد. کاربرد این ساخت جدید فعل خواستاری در جملات شرطی مشاهده نگردید. از دیدگاه معنایی، نوع جملات شرطی در زبان‌های میانه غربی، بر اساس نظر دکتر قریب، به مضارع نامحتمل، ماضی نامحتمل و ماضی نامحقق دسته‌بندی شده است. دکتر ابوالقاسمی، با تقسیم‌بندی جملات شرطی این گروه زبانی به شرطی انجام‌یافتنی و شرطی ناممکن، به گرایش‌هایی برای زمان دستوری بکار رفته در جمله شرطی، بر اساس نوع جمله شرطی تأکید می‌ورزد. از آنجا که جهانی‌های زبان، برای ادوار گوناگون زبان فارسی صادق است، می‌توان در پژوهش‌های آینده، بر اساس نظریه‌های جدید زبان‌شناسی در حیطه رده‌شناسی، به طبقه‌بندی‌های جدیدی برای جملات شرطی پهلوی دست یافت.

**کلیدواژه‌ها:** زبان پهلوی، دستگاه مضارع، ساخت نحوی جملات شرطی، انواع شرطی، وجه شرطی

## درآمد

جملات شرطی یکی از جهانی‌های زبان است.<sup>۱</sup> در سال‌های اخیر، پیشرفت‌های رده‌شناسی زبان<sup>۲</sup> و بررسی جهانی‌های<sup>۳</sup> زبان، با تحلیل داده‌های توصیفی دقیق و قاعده‌مند از شصت زبان گوناگون حاصل گشته است (فرهنگی، ۱۳۹۳: ۷۶). گرینبرگ (۱۹۶۳) که در کتاب جهانی‌های زبان، با مقایسه سی زبان زنده دنیا، به قواعد مشترکی در آن‌ها دست یافته، سه نظم رایج را برای اکثر زبان‌های نمونه مورد مطالعه مشخص کرده است:  $VSO, SVO, S^4O^5V^6$ . پس از تحلیل این سه الگوی رایج در زبان‌های مختلف و یافتن قاعده‌مندی چینش پیشوندها و پسوندها بر اساس هر یک از این الگوها، ۴۵ قاعده بر اساس وجوه اشتراک در بین دو الگو و گاهی هر سه الگوی پرکاربرد یافت شد که جهانی‌های زبان خوانده شدند (گرینبرگ، ۱۹۶۳: ۵۹-۶۱). زبان فارسی از یکی از سه الگوی پرکاربرد، یعنی SOV تبعیت می‌کند و جهانی‌های زبان برای آن صادق

۱. چهاردهمین مورد از جهانی‌های زبان که گرینبرگ بدان دست یافت: «در همه زبان‌ها، برای جملات شرطی با جمله‌بندی عادی، عبارت شرط همیشه جلوتر از عبارت جواب شرط می‌آید.» (گرینبرگ، ۱۹۶۳: ۶۶).

2. Language typology.

3. Universals of Language.

4. subject.

5. object.

6. verb.

است. از ویژگی‌های جهانی‌های زبان اینست که دربردارنده مؤلفه‌هایی در زبان‌هاست که برای تمام زبان‌های ممکن و انواع آن ضروری و ثابت است. این مؤلفه‌ها، قابل تعمیم به زبان‌هایی می‌شود که تاکنون مورد بررسی قرار نگرفته‌اند یا جزو زبان‌های خاموش محسوب می‌شوند و یا حتی قابل تعمیم به زبان‌هایی است که هنوز بوجود نیامده‌اند (زیموند، ۲۰۱۱: ۱).

جملات شرطی همواره یکی از موضوعات حائز اهمیت در حوزه‌های معنی‌شناسی، کاربردشناسی و فلسفه زبان بوده و با رویکردهای مختلفی به آن پرداخته شده است. علاوه بر منظرهای غیرنحوی، بررسی این جملات از لحاظ ساختار نحوی در قالب نظریه‌های جدید نیز مورد توجه قرار گرفته است (کبیری، درزی، ۱۳۹۴: ۳۲). نحو جملات شرطی به وضوح با نحو دیگر جملات مرکبی که با «و»/ «یا» به هم متصل می‌گردند، متفاوت است. ساختار جملات شرطی، شامل عبارات همراهی شده<sup>۱</sup> با یکدیگر نیست بلکه عبارات پیرو - پایه<sup>۲</sup> است. بدین ترتیب جمله مقدم و نتیجه، از نظر نحوی با یکدیگر برابر نیستند و جمله مقدم یک عبارت قیدی از نظر نحوی محسوب می‌گردد (شولز، ۲۰۱۵: ۸۰۶). مقالات نوشته‌شده در مورد جملات شرطی زبان فارسی که از دیدگاه نحوی، معناشناسی یا شناختی بوده‌اند، در حیطه زبان فارسی نو و یا با مقایسه زبان‌های دیگر انجام شده است. در مقاله پیش‌رو، بررسی در زمانی این نوع جملات مدنظر است.

در میان زبان‌های هندواروپایی، زبان فارسی این ویژگی ممتاز را دارد که می‌توان تاریخ آن را بر اساس منابع و مدارک موجود در تمامی ادوار تاریخی از قرن ششم پیش از میلاد تا زمان حاضر به طور پیوسته بررسی کرد (باقری، ۱۳۹۶: ۱۱). هدف از نگارش این مقاله بررسی تنوع ساخت جملات شرطی در زبان پهلوی با تمرکز بر زمان‌های دستوری ساخته شده بر دستگاه مضارع، در بند شرط و جواب شرط است.

**پرسش اصلی مقاله:** آیا زمان دستوری خاصی با وجه شرطی یا شناسه تصریفی فعلی مشخصی در دستگاه مضارع زبان پهلوی وجود دارد که صرفاً در ساخت جملات مرکب شرطی کاربرد داشته باشد؟ پاسخ به این پرسش، علاوه بر طبقه‌بندی دقیق‌تر زمان‌های دستوری دستگاه مضارع در زبان پهلوی، حذف یا تغییرات زمان‌های دستوری این دستگاه را در گذار از دوره میانه به دوره جدید زبان فارسی روشن‌تر می‌سازد. همچنین زمینه مطالعاتی را در مورد انواع

1. Coordinated clauses.

2. Subordinated-main clauses.

جملات شرطی زبان پهلوی، براساس رده‌شناسی و نظریه‌های جدید زبان‌شناسی، نظیر جهان‌های ممکن دستوری و مطابقت آن با انواع جملات شرطی زبان فارسی نو نیز فراهم می‌کند.

## پیکره و روش کار

کتاب انتخاب شده برای این پژوهش «روایات پهلوی» است که بر حسب سنت «روایت پهلوی» نامیده می‌شود. این کتاب بر اساس تقسیم‌بندی دابار<sup>۱</sup> ۶۵ فصل دارد و زمان تألیف آن مشخص نیست. از مقایسه روایت پهلوی با کتاب‌های تألیف شده در قرن سوم و اوایل قرن چهارم هجری و با در نظر گرفتن نثر صحیح و استوار کتاب، می‌توان نتیجه گرفت که این کتاب نیز در همین زمان گردآوری نهایی شده است. گردآورنده یا گردآورندگان این کتاب معلوم نیست. روایت پهلوی علاوه بر داشتن مطالب اساطیری، آیینی و غیره، خصوصاً از جهت در برداشتن مسائلی که زردشتیان در سده‌های نخستین هجری در جامعه اسلامی با آن‌ها روبرو بوده‌اند، مانند اجرای احکام یا آیین‌های دینی و خرید و فروش با مسلمانان، از اهمیتی خاص برخوردار است (تفضلی، ۱۳۷۸: ۱۵۳-۱۵۵). در بعضی فصول که به رعایت آیین‌های دینی و انجام دادن آن‌ها بر وفق سنت و دین می‌پردازد (میرفخرایی، ۱۳۶۷: هشت)، جملات شرطی بسیاری با ساختارهای نحوی متنوع وجود دارد که برای این پژوهش مناسب است. متن پهلوی بر اساس نسخه دابار (۱۹۱۳)، آوانویسی بر اساس کتاب ویلیامز (۱۹۹۰) و فارسی نو روایت پهلوی بر اساس ترجمه میرفخرایی (۱۳۶۷) است. کوتاه‌نوشت برای کتاب روایت پهلوی در این مقاله RP است.

روش کار توصیفی - تحلیلی است. ابتدا جملات شرطی که فعل‌های دستگاه مضارع در آن وجود داشت، در کل متن مشخص گردید. سپس ساخت جملات شرطی بر اساس انواع زمان دستوری در دستگاه حال در بند شرط و جواب شرط تفکیک شدند. از مشکلات کار می‌توان به عدم امکان تطبیق کامل ترجمه زبان فارسی نو با مفهوم بعضی از جملات زبان پهلوی اشاره کرد که گاهی شرطی بودن جمله را مورد تردید قرار می‌داد؛ به همین خاطر، ملاک تشخیص جمله شرطی، از نظر صوری، حرف ربط‌های وابسته‌ساز شرطی در جملات مرکب بود. یکی دیگر از مشکلات کار، حذف به قرینه لفظی در تعدادی از جملات شرطی مرکب بود؛ یعنی برای یک جمله پایه (جواب شرط) گاهی چندین جمله پیرو (شرط) و یا بالعکس، برای یک بند شرط،

چندین بند جواب شرط مشاهده می‌شد. به همین دلیل، جملات شرطی تنها بر اساس روساخت تحلیل شدند. علاوه بر این موارد، گاهی در دل بند شرط یا جواب شرط، جملات ربطی توضیحی یا معترضة نیز مشاهده شد که موجب پیچیده‌تر شدن این جملات مرکب می‌گشت.

## پیشینه تحقیق

در طرح اجمالی دستور زبان پهلوی، بخش انواع فعل‌های مضارع و ماضی، چند جمله شرطی در مثال‌های دستگاه مضارع و ماضی آمده و بیان شده است که اگر فعل شرطی مبین امکان وقوع<sup>۱</sup> کاری باشد، فعل مضارع اخباری بکار می‌رود (آموزگار، تفضلی، ۱۳۸۲: ۷۵-۷۹). نیبرگ (۱۹۷۴) در بخش تحلیل دستوری، نمونه‌هایی از جملات شرطی را در توضیح ساخت فعل شرطی نامحقق<sup>۲</sup> (دستگاه ماضی) در زبان پارتی و پهلوی ذکر می‌کند (۲۸۳). در کتاب «دستور تاریخی زبان فارسی»، بخش نحو، سه جمله شرطی به زبان پهلوی (۱۹۱، ۱۹۴، ۱۹۷) و یک جمله شرطی به زبان فارسی میانه ترفانی (۱۹۰) آمده است که مربوط به بررسی جای فعل در جمله است و ساخت شرطی محور سخن نیست. در فصل دوازدهم همین کتاب، جمله‌های پیرو شرطی، نوعی از جمله‌های مرکب معرفی شده‌اند و مثال‌هایی از فارسی میانه زردشتی و ترفانی و اشکانی ترفانی (۳۸۲، ۳۸۳) برای آن آورده شده است. در بررسی زمان دستوری بندهای شرط و جواب شرط، ذکر شده که اگر نوع شرطی انجام یافتنی باشد، فعل ممکن است التزامی یا اخباری بیاید و در جمله‌ای که شرطی ناممکن دارد، فعل بند شرط و جواب شرط خواستاری است؛ البته مثال‌ها فقط در دستگاه مضارع هستند (ابوالقاسمی، ۱۳۸۹). مقاله «تحول وجه تمنایی به ماضی استمراری در زبان‌های ایرانی»، مثال‌هایی از جملات شرطی در دوره باستان، زبان فارسی باستان (۲۴۸، ۲۵۰، ۲۵۱) و اوستایی (۲۵۳)؛ سپس در دوره میانه، زبان‌های میانه شرقی (۲۵۷) و میانه غربی، پارتی مانوی (اشکانی ترفانی) (۲۶۵، ۲۶۷) و فارسی میانه مانوی (۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۸) دارد. اگرچه تمرکز اصلی آن مقاله بر تحول وجه تمنایی است اما علاوه بر بررسی زمان دستوری فعل، در حیطه معنایی به نوع جملات شرطی نیز پرداخته و از آن‌ها تحت عنوان مضارع نامحتمل، ماضی نامحتمل و ماضی نامحقق نام برده شده است (قریب، ۱۳۷۹). مقاله دیگری که در آن جملات شرطی زبان پهلوی مشاهده شد، یک ساخت ناشناخته

1. unreal.

2. unfulfilled.

فعل التزامی را در فارسی میانه بررسی می‌کرد (قائم‌مقامی، ۱۳۹۵: ۱۲۸). تا جایی که نگارنده جستجو کرد، مقاله‌ای که صرفاً به ساخت، وجه و نوع جملات شرطی و زمان‌های دستوری بکار رفته در آن‌ها پرداخته باشد، یافت نشد.

در حیطه زبان فارسی نو، گذشته از بررسی‌های انجام شده بر اساس دستور سنتی بر روی جملات شرطی، در دهه اخیر مقالاتی با رویکردهای گوناگون و براساس نظریات جدید رده‌شناسی زبان برای بررسی جملات شرطی نگاشته شده‌اند. برای مثال، کبیری و درزی (۱۳۹۴) جایگاه نحوی بند شرطی را بررسی کرده‌اند. این تحلیل بر اساس تقسیم‌بندی هگمن (۲۰۰۳) بود که جملات شرطی را به دو دسته رویدادی و پیش‌زمینه‌ای تقسیم می‌کند (۴۳). ابن‌الرسول و همکاران (۱۳۹۵)، با رویکرد معنایی، رابطه سببی بین پایه و پیرو شرطی (شرط و جواب شرط) را به انواع شرط تحقق‌یافته، تحقق‌پذیر و تحقق‌ناپذیر تقسیم‌بندی کرده‌اند (۹۸). همچنین، می‌توان به مقاله پهلوان نژاد و همکاران (۱۳۹۱) اشاره کرد که جملات مرکب را در زبان فارسی، بر پایه نظریه دستور نقش و ارجاع تحلیل کرده‌اند. بخش اصلی مقاله به بررسی ساختاری جملات شرطی و زمان‌های دستوری دستگاه مضارع بکار رفته در آن‌ها می‌پردازد.

## ساخت جملات شرطی در زبان پهلوی

جمله شرطی در زبان پهلوی نوعی جمله مرکب است که همانند زبان فارسی نو، از نظر ساختاری، شامل یک جمله هسته (پایه) و حداقل یک جمله وابسته (پیرو) است. حرف ربط در جمله شرطی از انواع وابسته‌ساز است و در ابتدای جمله وابسته می‌آید (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۵: ۱۱۳ و ۱۱۶). این حرف ربط وابسته‌ساز، بیانگر شرط، احتمال و عدم قطعیت است و به همین دلیل جمله پیرو در این نوع جملات مرکب، جمله شرط و جمله پایه، جواب (جزای) شرط نامیده می‌شوند و وجه کل جمله شرطی می‌شود. در زبان پهلوی حرف ربط وابسته‌ساز شرطی در اکثر موارد 'agar' است. گاهی نیز 'ka' یا 'ku' به کار برده می‌شود که همگی بیانگر شک و تردید و به معنای «اگر» هستند (آموزگار، تفضلی، ۱۳۸۲: ۷۵). در این پژوهش، یکی از مسائلی که در حیطه معنایی بررسی جملات شرطی پیش آمد، امکان ترجمه 'ka' به معنی «اگر» و همچنین «وقتی که» در بعضی جملات مرکب بود، که در صورت ترجمه با معنی دوم، جمله از وجه شرطی خارج می‌شد. به همین دلیل ترجمه میرفرخایی (۱۳۶۷) تنها ملاک کار قرار گرفت. گاهی نیز 'ke' در معنای «اگر» بکار رفته بود (RP.93). در مواردی نیز حرف شرط در ابتدای بند شرط حذف شده بود (RP.121). بررسی جملات شرطی در کتاب روایت پهلوی نشان داد که این جملات در دو دستگاه حال و گذشته، با کمک انواع

زمان‌های دستوری در وجوه خواستاری (تمنایی)، اخباری، التزامی و امر ساخته می‌شوند. پیش از بررسی ساخت جملات شرطی، بخش بعدی به توضیح در مورد وجه فعل می‌پردازد.

## وجه فعل در زبان فارسی میانه و نو

یکی از ویژگی‌های فعل در زبان فارسی، وجه فعل است. وجه فعل نشان‌دهندهٔ نظر گوینده، در مورد قطعیت (اخباری) یا عدم قطعیت (شرطی) وقوع فعل و یا صادر کردن یک دستور (امری) است. این نظر یا وجه سخن گوینده، به کمک نشانه‌هایی در فعل و یا در جمله نشان داده می‌شود که می‌توانند صوری یا معنایی باشند. نشانه‌های صوری وجه فعل اندک هستند و همیشه از ظاهر فعل نمی‌توان وجه آن را تعیین کرد؛ لذا معنای فعل و نشانه‌های دیگری در جمله مانند همراهی کلمات وجهی با فعل اصلی، در شناخت وجه فعل کمک می‌کند (مظاهری، هاشمی، متولی، ۱۳۸۳: ۹۵). زمان‌های دستوری گوناگون در دستگاه‌های ماضی و مضارع، وجوه گوناگونی دارند. در جدول شماره یک ویژگی‌های فعل در دورهٔ میانه و نو (معاصر) زبان فارسی آمده است.

| ویژگی / زبان            | فارسی میانه                     | فارسی نو (معاصر)      | فارسی میانه و فارسی نو       |
|-------------------------|---------------------------------|-----------------------|------------------------------|
| دستگاه                  | حال گذشته                       | حال گذشته             |                              |
| زمان دستوری اصلی        | حال، گذشته، آینده               | حال، گذشته، آینده     |                              |
| وجه                     | اخباری، التزامی، خواستاری، امری | اخباری، التزامی، امری | وجه شرطی (فقط در جملات مرکب) |
| ماده                    | حال، گذشته                      | حال، گذشته            |                              |
| شمار                    | مفرد، جمع                       | مفرد، جمع             |                              |
| نمود <sup>۱</sup>       | استمراری، نقلی                  | استمراری، نقلی        |                              |
| حالت <sup>۲</sup> (جهت) | معلوم، مجهول                    | معلوم، مجهول          |                              |

جدول شمارهٔ یک - مقایسهٔ ویژگی‌های فعل در زبان فارسی میانه و نو (معاصر)

1. Aspect.
2. Voice.



حذف وجه خواستاری در دوره تحول زبان فارسی میانه به دوره نو، موجب حذف مضارع خواستاری نیز شده است. از آنجا که دستور زبان فارسی در جریان تکوین و تحول خود رو به سادگی می‌رود، در دوره نو زبان فارسی و به ویژه دوره معاصر، کاربردهای وجه خواستاری، در وجه التزامی ادغام گردیده است.

### ۱. زمان‌های دستوری زبان پهلوی در دستگاه مضارع، برای ساخت جملات مرکب

در کتاب روایت پهلوی، ساخت جملات شرطی با کمک زمان‌های دستوری در دستگاه مضارع و ماضی با تنوع زیاد مشاهده شد. علاوه بر زمان‌های دستوری، از اسم مصدر و جمله اسمیه و فعل‌های غیرشخصی نیز در ساخت جملات شرطی استفاده شده بود. بررسی نوع جملات شرطی نیازمند پژوهشی جداگانه است.

در دستگاه مضارع زبان پهلوی، زمان‌های دستوری مضارع اخباری (وجه اخباری) که با نمود استمراری نیز کاربرد دارد، مضارع التزامی (وجه التزامی) و مضارع خواستاری (وجه خواستاری) وجود دارند. دو زمان نخست، صرف کامل دارند اما مضارع خواستاری که در دوره فارسی باستان صرف کاملی داشته است، در زبان پهلوی اغلب با صرف سوم شخص مفرد مشاهده می‌شود:

ماده مضارع + 'ē(h)'.<sup>۹۲</sup>

Example 1: 'ku hagairz ān zaman nē rasē' (RP.92)

ترجمه مثال یک: «باشد که هرگز آن زمان نرسی».

برای بیان امر یا تجویز و توصیه، 'ē' پیش از مضارع اخباری بکار می‌رود (آموزگار، تفضلی، ۱۳۸۲: ۸۰). در کتاب روایت پهلوی این ساخت به عنوان جایگزین مضارع خواستاری در بعضی جملات مشاهده می‌شود. کاربرد این ساخت جدید، امکان صرف مضارع خواستاری را به انواع شخص و شمار فراهم می‌کند. نمونه‌های مشاهده شده در متن روایت پهلوی به صورت 'ē' یا 'ēd' پیش از مضارع اخباری بود:

Examples 2: 'be ē pahrēzēd' (RP.30); 'ē xwarēnd' (RP.31)

ترجمه مثال‌های دو: «باشد که بپرهیزد»؛ ج «باشد که بخورند».

نشانه خواستاری بین پیشوند فعلی و فعل قرار گرفته است.

Example3: '-t ēd sahēd' (RP.91)

ترجمه مثال سه: «باشد که به نظرت آید.»

در ساخت جملات شرطی متن روایت پهلوی، هرگاه فعل خواستاری بکار رود، با ساخت اصلی یعنی ماده مضارع + '-ēd/h' درست می‌شود و در این پژوهش مشاهده نشد که ساخت جدید فعل خواستاری یعنی 'ēd/ē' + مضارع اخباری، در جملات شرطی کاربرد داشته باشد. این ساخت جدید تنها در جملات آرزویی و خواستاری دیده شد.

۱-۱. ساخت جمله شرطی با مضارع خواستاری در هر دو بند شرط و جواب شرط

Example 4: 'agar to kāmē, ēn dō tis čārag dānē.' (RP.169)

ترجمه مثال چهار: «اگر بخواهی، چاره این دو چیز دانی.»

Example5: 'agar-im pad arzānīg dānē, framāyē guftan.' (RP.194)

ترجمه مثال پنج: «اگر مرا شایسته بدانی، بفرمای گفتن.»

برای توضیح بیشتر در مورد مثال ششم که فعل غیرشخصی در بند جواب شرط بکار رفته‌است، به بخش ۱-۸ مراجعه کنید.

۲-۱. ساخت جمله شرطی با مضارع خواستاری (در بند شرط یا جواب شرط)

+ مضارع اخباری (در بند شرط یا جواب شرط)

Example 6: 'paydāg ku ka hamāg xrafstar ī andar gēhān kōf-bālā be mīrēnd, ud hamāg wiš ud gandagīh ud rēmanīh be ō ē gyāg āyē, gand be ō Ohrmazd ud wahišt nē rasē.' (RP.12)

ترجمه مثال شش: «پیدااست که اگر همه خرفستران جهان بالای کوهی بمیرند و همه زهر و گند و ریمنی به یک جا گرد آید، گند به هرمزد و بهشت نرسد.»

Example 7: 'agar nē padīrē, ā-t [andar] andarwāy be ō kargās framāyēm ā-t gōšt be xwarēnd, u-t ast be ō zamīg ōftēd.' (RP.140)

ترجمه مثال: «اگر دین نپذیری، پس {در} هوا به کرکس {ها} فرماییم تا گوشت تو را بخورند و استخوانت بر زمین افتد.»

در مثال شماره شش حذف به قرینه لفظی بند جواب شرط مشاهده می‌شود.

### ۱-۳. ساخت جمله شرطی با مضارع خواستاری در بند شرط

#### + مضارع التزامی در بند جواب شرط

Example 8: 'kū bar man nišast ma tuwān bawād, ke pad zōr ud nērōg ī man ayārīh ō wehān nē kunē ud dušmenān abāz nē dārē.' (RP.92)

ترجمه مثال هشت: «که توان نشستن بر من مباد، که (اگر) به زور و نیروی من نیکان را یاری نکنی و دشمنان را بازنداری.»

در مثال شماره هشت جابجایی جمله شرط و جواب شرط رخ داده است.

### ۱-۴. ساخت جمله شرطی با مضارع اخباری در بند شرط

#### + مضارع التزامی در بند جواب شرط

Example 9: 'ka-š abar nihēnd, ā frāz gīrād.' (RP.135)

ترجمه مثال نه: «اگر بر آتش نهند، آن‌گاه شعله خواهد گرفت.»

### ۱-۵. ساخت جمله شرطی با مضارع اخباری در بند شرط و جواب شرط

Example 10: 'ka-šān tangīh ud dušxwārīh-ē bawēd, ā-šān ān abāyēd ka-šān gyān az tan be šawēd.' (RP.39)

ترجمه مثال ده: «اگر ایشان را تنگی و دشواری باشد، پس ایشان را آن باید که جان از تن برود.»

Example 11: 'ka tan az ān kār be barēd, pad ān tis wināhgār bawēd.' (RP.56)

ترجمه مثال یازده: «اگر از آن کار شانه خالی کند، بدان کار گناهکار باشد.»

### ۱-۶. ساخت جمله شرطی با ماضی ساده در بند شرط

#### + مضارع اخباری در بند جواب شرط

Example 12: 'ud ka pad petīt nē būd, bē ō dušox šawēd.' (RP.41)

ترجمه مثال دوازده: «و اگر توبه نکرد، به دوزخ رود.»

## ۷-۱. ساخت جمله شرطی با ماضی نقلی در جمله شرط

### + مضارع اخباری در بند جواب شرط

Example 13: 'ka-š čahār sāl pad zanīh dārēd, u-š yašt kard ēstēd, ā-š ruwān āškārag be garōdmān šawēd.' (RP.19)

ترجمه مثال سیزده: «اگر چهار سال به زنی دارد و یشت کرده باشد، پس آشکارا روانش به گرودمان رود.»

در مثال سیزده، دو بند شرط برای یک بند جواب شرط مشاهده می‌شود که فعل یکی از آن‌ها ماضی نقلی است.

Example 14: 'ka-š gōn wašt ēstēd, ā šāyēd.' (RP.186).

ترجمه مثال چهارده: «اگر رنگش تغییر کرده است، جایز است.»

جواب بند شرط در مثال چهارده در اصل فعل غیرشخصی است که فعل اصلی آن محذوف است.

## ۸-۱. ساخت جمله شرطی با فعل غیرشخصی

فعل‌های *tuwānistān*, *framūdan*, *sazistan*, *sahistan*, *šāyistan*, *hištan*, *abāyistan* به عنوان فعل‌های غیرشخصی، کاربرد زیادی در زبان پهلوی دارند. این فعل‌ها در شخص و شمار سوم شخص مفرد صرف می‌شوند و قبل یا بعد از آن‌ها مصدر فعل اصلی یا مصدر مرخم فعل اصلی می‌آید.

Examples 15: 'sazēd menīd' (RP.198); 'guft šāyēd' (RP.158); 'abāyēd kardan' (RP.40)

ترجمه مثال‌های پانزده: «سزد اندیشید؛ شاید گفت؛ باید کرد»

علاوه بر این فعل‌های غیرشخصی، واژه 'pādxšāy' در معنی «مجازبودن، جایزبودن» نیز با همان عملکرد فعل غیرشخصی و بخصوص در جملات منفی کاربرد دارد (مثال‌های ۱۶ و ۱۷).

Example 16: 'be ō šōy nē pādxšāy dād.' (RP.107)

ترجمه مثال شانزده: «شوهر دادن جایز نیست.»

Example 17: 'xwad zan nē pādxšāy kardan.' (RP.107)

ترجمه مثال هفده: «خود (او را) به زنی کردن جایز نیست.»

### ۱-۸-۱. فعل مضارع خواستاری در بند شرط + فعل غیرشخصی در بند جواب شرط

Example 18: 'ud ēg be ka pad ēd dārē ku bē mīrēd, nē abāyēd dād.' (RP.40)

ترجمه مثال هجده: «حتی اگر بپنداری که بد دین بمیرد، هیچ چیز نباید بدو داد.»

### ۲-۸-۱. فعل مضارع اخباری در بند شرط + فعل غیرشخصی در بند جواب شرط

Example 19: 'ka nē [yazišn] kunēd, pādīfrāh abāyēd kardan.' (RP.40)

ترجمه مثال نوزده: «اگر یزش نکند، پادافراه باید کردن.»

### ۳-۸-۱. فعل غیرشخصی در بند شرط + فعل امری در بند جواب شرط

Example 20: 'agar-im wahišt ud garōdmān nē šāyēd dād, ā-m amāwandīh ud pērōzgarīh ī-m andar zīdagīh būd, ā-m abāz dah.' (RP.71)

ترجمه مثال بیست: «اگر بهشت گرودمان نشاید دادن، پس نیرو و پیروزگری که مرا در زندگی بود، بازده.»

## ۹-۱. ساخت جمله شرطی با مضارع اخباری در بند شرط

### + صفت الزامی (اسم مصدر) در بند جواب شرط

معنای صفت الزامی به آینده معطوف است و مفهوم ضرورت، قصد و امکان، آرزو و قابلیت را در خود دارد. این نوع صفت در زبان‌های ایرانی باستان و میانه وجود داشته و بقایایی از ساخت آن به زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نو رسیده است (میرفخرایی، ۱۳۹۶: ۸۱). پسوند *-išn* ایرانی میانه غربی که به ایرانی نو رسیده، کاربرد صفت الزامی خود را از دست داده است و بیشتر برای ساخت اسم مصدر بکار می‌رود (میرفخرایی، ۱۳۹۶: ۹۲).

Example 21: 'ka a-pādyāb nē bawēd, ka drōn nān-ē, ā-š rāy frasast rāy u-š be nē škēnišn.' (RP.172)

ترجمه مثال بیست‌ویک: «اگر بی‌پادیاب نباشد، وقتی که نانی برای درون است، پس نباید آن را و نه نان فرست را شکست.»

در مثال بیست و یکم، دو بند شرط وجود دارد که یکی از آن‌ها جمله اسمیه است و در بخش ۱۰-۱ توضیح آن خواهد آمد.

Example 22: 'ka hōšišn nē šāyēd, nē šōyišn.' (RP.173)

ترجمه مثال بیست و دو: «اگر نتوان خشک کرد، نباید شست.»

البته صفت الزامی در ساخت‌های شرطی پیچیده‌تری نیز کاربرد دارد. در مثال ۲۳، ترکیب فعل غیرشخصی با صفت الزامی، در جمله مرکبی که حذف بند جواب شرط به قرینه لفظی در آن رخ داده، آمده است:

Example 23: 'ka dārūg-ē ōh kāmēd xward, ud ka dārūg az ān ī pad xwarišn mehmānīhā pad drōn frāz nihišn, ā-š čāšnīg pēš az dārūg kunišn.' (RP.182)

ترجمه مثال بیست و سه: «اگر کسی بخواند دارویی بخورد و اگر دارو از خوراکی‌های میهمان باشد، باید بر درون فراز نهاد و پیش از دارو باید از {درون} چاشنی گرفت.»

یک مورد نیز ساخت جمله شرطی با مضارع اخباری در بند شرط و حاصل مصدر در بند جواب شرط مشاهده شد:

Example 24: 'ka be ēstēd pas be rawēd, ā-š dādestān ēdōn čiyōn az bun ēw mōg dwārišnīh.' (RP.34)

ترجمه مثال بیست و چهار: «اگر بایستد، سپس برود، آن‌گاه حکم آن در اصل همانند یک موزه رفتن است.»

## ۱-۱۰. ساخت جملات مرکب شرطی با جملات اسمیه

در جملات اسمیه، حذف فعل به قرینه معنوی یا لفظی صورت می‌گیرد و در بازسازی حذف، زمان فعل غیرگذشته خواهد بود.

Example 25: 'čē ka ruwān rāy nē ham-dādestān, ēg-iz tan rāy ham-dādestān.' (RP.51)

ترجمه مثال بیست و پنج: «چه اگر روان را هم داستان نباشد، پس تن را هم داستان است. (اگر برای روان سودمند نباشد، برای تن سودمند است).»

در مثال بالا، حذف فعل در هر دو بند شرط و جواب شرط صورت گرفته است. در مثال بیست‌وششم، جواب شرط به صورت جمله اسمیه است.

Example 26: 'ka nē abrōzēd, adwadād rāy harw bār framān-ē.' (RP.116)

ترجمه مثال بیست‌وشش: «اگر نیفروزد، به سبب رهاکردن به حال خود، هر باری یک فرمان گناه است.»

### ۱-۱۱ نمونه جملات شرطی چند بندی با انواع فعل‌های دستگاه مضارع و غیر شخصی با حذف به قرینه لفظی در بند شرط یا جواب شرط

Example 27: 'čē ka gowē kū pas kunem, bawād ka astwihād rasēd, u-t bē kardan nē tuwan.' (RP.5)

ترجمه مثال بیست‌وهفت: «چه اگر بگویی که پس {از این} بکنم، باشد که استویهاد برسد و نتوانی کردن.»

Example 28: 'u-š gōwēd kū-t frazand ma bawād, u-t dusrawih ud abārīg anāgih abāg harw anāgih bawād, ka-m kušē, u-m pazē, u-m ō arzānīgān nē dahē; ud zan-iz ud pūsarān ud aškamb ī xwēš rāy pahrēzē ud dārē.' (RP.92)

ترجمه مثال بیست‌وهشت: «و گوید که تو را فرزند مباد و باشد که تو را بدنامی و دیگر همه گونه بدی باشد، اگر مرا بکشی و مرا بیزی و مرا به مستحقان ندهی و زن و پسران و شکم خود را مراقبت کنی و نگهداری.»

Example 29: 'ka-m sar be brīnēnd, ayāb-im pad tigr be brīnēnd ud be ōzanēnd, ayāb-im wardfšag be kunēnd, ēg-im pad kārđ be brīnēnd, ā-m weh sahēd, čiyon pad ēn rāh kū-m az duz abzīd ēstēd, ā-m bē ō dušox abāyēd šud.' (RP.87)

ترجمه مثال بیست‌ونهم: «اگر سرم را ببرند و یا با تبر ببرند و بکشند و یا از گله جدا کنند و آن‌گاه با کارد ببرند، بهتر پسندم تا از این راه که از خار انباشته شده است و باید که به دوزخ روم.»

## بر آیند سخن

در کتاب روایت پهلوی، جملات شرطی که با کمک زمان‌های دستوری بر دستگاه مضارع، در بند شرط و جواب شرط ساخته می‌شوند، بسیار متنوع است. علاوه بر آن، از فعل‌های غیرشخصی، صفت الزامی (اسم مصدر) و جملات اسمیه نیز در بندهای شرط و جواب شرط استفاده می‌شود.

وجه شرطی در زبان پهلوی و فارسی نو، تنها در جملات مرکب شرطی خود را نشان می‌دهد و برای نشان دادن این وجه، تشکیل نوعی جمله مرکب ناهم‌پایه لازم است که حرف ربط وابسته‌ساز آن مفهوم احتمال و شرط و عدم قطعیت را برساند.

بر اساس نتایج این پژوهش، در دستگاه مضارع زبان پهلوی، فعلی با شناسه تصریفی خاص فعل شرطی مشاهده نشد و بدین ترتیب زمان دستوری با وجه شرطی در این دستگاه فعلی زبان پهلوی وجود ندارد؛ اما همه فعل‌های دستگاه مضارع با وجوه اخباری، خواستاری، التزامی و امری، در ساخت جملات مرکب شرطی کاربرد دارند.

علاوه بر ساخت معمول مضارع خواستاری، ساخت دیگری که با افزودن ادات 'ē/ēd' بر سر مضارع اخباری بدست می‌آید، در روایت پهلوی وجود دارد که تنها در جملات با وجه خواستاری کاربرد دارد؛ اما در ساخت جملات مرکب شرطی مشاهده نشد.

بر اساس پژوهش‌های پیشین، نوع جملات شرطی پهلوی، به صورت انجام یافتنی و ناممکن (دکتر ابوالقاسمی) یا مضارع نامحتمل، ماضی نامحتمل و ماضی نامحقق (دکتر قریب) تقسیم‌بندی شده‌اند و گرایش کاربرد زمان دستوری بر اساس نوع جمله شرطی نیز در این جملات مشخص گردیده است. از آنجا که این تقسیم‌بندی با رویکرد معنایی است، می‌توان آن را با تقسیم‌بندی ابن‌الرسول و همکاران که نوع جملات شرطی فارسی نو را بر اساس رابطه سببی بین بند پایه و پیرو، به انواع شرط تحقق‌یافته، تحقق‌پذیر و تحقق‌ناپذیر طبقه‌بندی کرده‌اند، مقایسه کرد.

جهانی‌های زبان برای زبان فارسی نو و میانه صادق است؛ بدین ترتیب نوع جملات شرطی زبان پهلوی را می‌توان بر اساس نظریه‌های جدید رده‌شناسی طبقه‌بندی و انواع جملات شرطی و گرایش زمان‌های دستوری بکار رفته در آن‌ها را در دوره میانه زبان فارسی با دوره جدید مقایسه کرد. برای این تحلیل آماری، پژوهشی جداگانه نیاز است.



## کتابنامه

- آموزگار، ژاله، احمد تفضلی، *زبان پهلوی، ادبیات و دستور آن*، چاپ چهارم، تهران: انتشارات معین، ۱۳۸۲.
- ابن‌الرسول، محمدرضا، سمیه کاظمی نجف‌آبادی و مهری کاظمی، «رابطه معنایی جمله‌واره پایه و پیرو در جمله‌های شرطی زبان فارسی»، *ادب فارسی*، ۱۳۹۵، س ۶، ش ۱، ص ۹۳-۱۱۲.
- ابوالقاسمی، محسن، *دستور تاریخی زبان فارسی*، چاپ هشتم، تهران: سمت، ۱۳۸۹.
- باقری، مهری، *تاریخ زبان فارسی*، چاپ بیست‌ودوم، تهران: نشر قطره، ۱۳۹۶.
- پهلوان‌نژاد، محمدرضا، حسین رسول‌پور، «جملات مرکب در زبان فارسی، تحلیلی بر پایه نظریه دستور نقش و ارجاع»، *زبان‌شناخت*، ۱۳۹۱، س ۳، ش ۱، ص ۱-۲۵.
- تفضلی، احمد، *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، چاپ سوم، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۷۸.
- فرهنگی، سهیلا، «نقد دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی»، *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، ۱۳۹۳، س ۱۴، ش ۱، ص ۷۵-۸۸.
- قائم‌مقامی، احمدرضا، «یک ساخت ناشناخته فعل التزامی در فارسی میانه»، *پژوهش‌های ایران‌شناسی*، ۱۳۹۵، س ۶، ش ۱، ص ۱۲۵-۱۳۶.
- قریب، بدرالزمان، «تحول وجه تمنایی به ماضی استمراری در زبان‌های ایرانی»، *یادنامه دکتر احمد تفضلی*، ۱۳۷۹، ص ۲۴۵-۲۷۸.
- کبیری، رویا، علی درزی، «جملات شرطی رویدادی در زبان فارسی»، *پژوهش‌های زبان‌شناسی*، ۱۳۹۴، س ۷، ش ۱، ص ۳۱-۴۸.
- مظاهری، جمشید، مرتضی هاشمی، مهدی متولی، «بررسی و تحلیل وجه التزامی در دستور زبان فارسی». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، ۱۳۸۳، دوره ۲، ش ۳۸، ص ۹۵-۱۰۸.
- مکنزی، دیویدنیل، *فرهنگ کوچک زبان پهلوی*، ترجمه مهشید میرفخرایی، چاپ دوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۹.
- میرفخرایی، مهشید، *روایت پهلوی*، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۷.
- میرفخرایی، مهشید، فهیمه شکیبا، «صفت الزامی در زبان‌های ایرانی»، *زبان‌ها و گویش‌های ایرانی*، ۱۳۹۶، ص ۸۱-۹۷.
- وحیدیان کامیار، تقی، غلامرضا عمرانی، *دستور زبان فارسی (۱)*، چاپ هشتم، تهران: سمت، ۱۳۸۵.
- همایون، همداخت، *واژه‌نامه زبان‌شناسی و علوم وابسته*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۹.

Dhabhar, E. B., *The Pahlavi Rivāyat*, Bombay: The Fort Printing Press, 1913.

Greenberg, J., *Universals of Language*, London: MIT Press, 1963.

Nyberg, H. S., *A Manual of Pahlavi*. 1<sup>st</sup> Volume. Wiesbaden: Hubert & Co, 1974.

Schulz, K. (2015). "Conditionals from a Linguistic Point of View: Two Case Studies". *J Philos Logic* 44, 805–816 (2015). <https://doi.org/10.1007/s10992-015-9361-y>. Retrieved on 10 August 2020.

Siemund, Peter, *Linguistic Universals and Language Variation*, 2011, De Gruyter Mouton. DOI: <https://doi.org/10.1515/9783110238068.1>. Retrieved on 10 August 2020.

Williams, A., *The Pahlavi Rivāyat, Accompanying the Dādestān ī Dēnīg*, Copenhagen: The Royal Danish Academy of Sciences and Letters, 1990.



## مفهوم اصطلاح نصورای در کتیبه کردیر بر کعبه زردشت

آزاده آزادی نژاد<sup>۱</sup>

روزبه زرین کوب (نویسنده مسئول)<sup>۲</sup>

### چکیده

کردیر در کتیبه‌اش بر دیوار کعبه زردشت که در نقش رستم فارس واقع شده، از پیروان دین‌هایی نام می‌برد که برطبق نظر او، اهریمنی بوده‌اند، و وی تلاش کرده تا آنها را تعقیب و سرکوب کند. از میان این ادیان، واژه نصورای همچنان مبهم است. بررسی هویت واژه نصورای، مسئله اصلی این پژوهش است و این پژوهش درصدد است تا درباره این واژه پیشنهادی ارائه کند. برخی از پژوهشگران بر این باورند که منظور کردیر از این واژه منداییان هستند، اما با قطعیت نمی‌توان این فرضیه را پذیرفت. بدین‌منظور در این پژوهش، متونی که این واژه را ثبت و ضبط کرده‌اند، مورد بررسی قرار گرفتند. این متن‌ها عبارتند از: متن کتاب مقدس، متون یونانی باستان، لاتینی، سریانی، مانوی، مندایی و ارمنی. پس از پژوهش در این متون و بازبینی شرایط اجتماعی و وضعیت یهودیان و مسیحیان در بازه زمانی فعالیت‌های مذهبی کردیر، مشخص شد که این واژه در ابتدا لقب عیسی (ع) بود. پس از مدتی، این واژه بار معنایی منفی و تحقیرآمیز به خود گرفت و از سوی غیر مسیحیان به مسیحیان اطلاق شد. علاوه بر این، گروهی از مسیحیانی که به آیین مندایی گرویده بودند نیز خود را نصورای می‌نامیدند. همچنین، آن دسته از جدلیون که مسیحی کاتولیک بودند، و علاوه بر آنها مراجع بلندپایه زردشتی مثل کردیر، این واژه را به مسیحیان یهودی (یعنی مسیحیانی که به آداب شرعی یهود پایبند بودند) اطلاق می‌کردند.

**کلید واژه‌ها:** کردیر، کتیبه کعبه زردشت، نصورای، مسیحیت، یهودیت، عیسی (ع).

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه علوم و تحقیقات تهران؛ azadeh.azadinezhad@gmail.com.

۲. استادیار و عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه تهران؛ Zarrinkoobr@ut.ac.ir.

## درآمد

کردیر، روحانی پرنفوذ زردشتی که در نیمهٔ دوم سدهٔ ۳ م می‌زیست، در کتیبه‌اش بر کعبهٔ زردشت، از اقدامات خود در برابر پیروان غیر زردشتی گزارش داده است (Back, 1978: 415). محتمل است که این کتیبه در روزگار شهریاری بهرام دوم و پیش از ۲۹۳ م نقر شده باشد (Skjærvø, 2012: 608-628). کردیر در این کتیبه نشان می‌دهد که پیروان ادیانی مثل یهود، مانویت، برهمنی، بودایی و مغتسله، کریستیان و نصورای را سرکوب کرده است (زرین کوب، ۱۳۹۳: ۴۸۷). از میان این ادیان، نصورای تا حدودی مبهم و مناقشه‌انگیز است. برخی از پژوهشگران معتقدند که منظور کردیر از این واژه، دین مندایی می‌باشد. با وجود این، سایر پژوهشگران، این فرضیه را نمی‌پذیرند و معتقدند که معنای این واژه، فرقه‌ای منشعب از مسیحیت است. هدف این مقاله آن است که دربارهٔ منظور کردیر از اصطلاح نصورای پیشنهادی ارائه کند.

## پیشینه پژوهش

تاکنون در زبان فارسی پژوهش‌هایی دربارهٔ کردیر و کتیبه‌های وی انجام شده است، اما تعیین هویت واژه نصورای در کتیبهٔ او که بر دیوار کعبهٔ زردشت حضور دارد، در قالب پژوهشی مستقل، هنوز انجام نشده است. در میان پژوهش‌های غیرفارسی، آثار متعددی هستند که به واژه نصورای پرداخته‌اند. برخی از این پژوهش‌ها مستقیماً به این واژه در کتیبهٔ کردیر اشاره نکرده‌اند، اما برخی دیگر، واژه نصورای را در این کتیبه نیز بررسی کرده‌اند. از میان پژوهش‌هایی که مستقیماً به کردیر اشاره کرده‌اند، می‌توان به کتاب *تاریخی از یهودیان در بابل*<sup>۱</sup>، تألیف نیوزنر اشاره کرد. نیوزنر در این کتاب، تاریخ قوم یهود در دوران باستان را بررسی کرده است. جلد سوم این اثر به بررسی دوران سلطنت شاپور یکم تا انتهای شهریاری شاپور دوم می‌پردازد. همچنین مقاله‌ای با عنوان «دربارهٔ مرزهای بشری: «nāšrāyā» و «krīstyonē» در کتیبهٔ کردیر موبد: پژوهشی ادبی و تاریخی»<sup>۲</sup> توسط کریستل جولین و فلورانس جولین ارائه شده است. این دو پژوهشگر، درصدد بوده‌اند تا با ارزیابی مجدد رابطه بین مسیحیان و مزداییان، این دو اصطلاح را تبیین کنند. آنها تلاش کرده‌اند تا با

1. Neusner, Jacob, (1999). A History of the Jews in Babylonia, Part III: From Shapur I to Shapur II, Wipf and Stock Publishers.

2. Jullien, C., & Jullien, F. (2002). Aux frontières de l'iranité: Et des inscriptions du mobad Kirdir: Enquête littéraire et historique. *Numen*, 49(3).

بررسی انگیزه‌های سیاسی و مفاهیم مذهبی مشترک آنها، استفاده مقامات ساسانی از این دو اصطلاح برای تعیین مسیحیان را توضیح دهند. فرانسوا دبلوا نیز در مقاله «نصرانی (Nazwpaioç) و حنیف (Éθνικός): پژوهش در واژه‌های مذهبی مسیحیت و اسلام»<sup>۱</sup> این واژه را در بستر متون گوناگون بررسی کرده است.

## ۱. ریشه‌شناسی واژه نضورای

زیمرن<sup>۲</sup>، پژوهشگر آلمانی، معتقد است که این اصطلاح از واژه اکدی «nasir Pristi»، مشتق شده که به معنای «حافظ اسرار» بوده است (Zimmern, 1920: 433). در فرهنگ لغت مندایی، واژه نضورای به معنای «ماهر در دانش خفیه» است (Drower & Macuch, 1963: 285).

## ۲. پیشینه واژه نضورای در متون

### ۱-۲. متن کتاب مقدس

در انجیل یونانی، عیسی (ع) با شهر ناصره<sup>۳</sup> مرتبط بود. وی ملقب به Nazarene و Nazoraean بود. این دو لقب، بدون هیچ تمایز معنایی، بارها به جای هم به کار رفته‌اند (De Blois, 2002: 1). در کتاب مقدس، پولس<sup>۴</sup> رسول، از سوی مخالفانش به عنوان رهبر Nazoraean مورد خطاب گرفته است (Fatti degli Apostoli, 24:5). اینگونه می‌توان چنین دریافت که کتاب مقدس، نامیده شدن پیروان عیسی (ع)، اهل Nazareth، با عنوان Nazoraean را به رسمیت شناخته است.

---

1. De Blois, François, (2002). "Naṣrānī (Nazwpaioç) and ḥanīf (Éθνικός): Studies on the Religious Vocabulary of Christianity and of Islam" in *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, University of London, vol. 65, No. 1, pp. 1-30.

2. Zimmern.

۳. ناصره (Nazareth). شهری در منطقه جلیل که از آنجایی که زمان طفولیت و کودکی عیسی (ع) در آنجا سپری شد، به وطن او مشهور است (هاکس، ۱۳۷۷: ۸۶۵). ناصره به هیچ وجه در کتب عهد قدیم و در کتاب یونانیان و رومیان قبل از عیسی (ع) مذکور نیست و اولین بار در انجیل ذکر شده است (William Benjamin Smith, 1905:26).

۴. Paul. پولس رسول، بزرگ‌ترین شخصیت مسیحیت در نیمه نخست سده اول میلادی است. او یهودی و اهل طرسوس در جنوب ترکیه کنونی بود. او در دین یهود بسیار متعصب بود و از دشمنان مسیحیت به‌شمار می‌رفت، ولی بعدها انقلابی روحی برای وی اتفاق افتاد و به مسیحیت گروید و مبلغ دین مسیح در مغرب شد (مشکور، ۱۳۷۷: ۱۶۲).

## ۲-۲. متون یونانی باستان و لاتینی

پس از کتاب مقدس، این واژه، نخستین بار در رسالهٔ ترتولیانوس<sup>۱</sup> (حدود ۲۰۰م) دیده می‌شود. وی می‌گوید که عیسی (ع)، Nazoraean نامیده می‌شد، به همین دلیل یهودیان ما را به خاطر او، Nazarenes می‌نامند (Klijn & Reinink, 1973: 108). مورد بعدی، اوسبیوس<sup>۲</sup> است که در حدود سال ۳۳۱م از مکانی با عنوان Nazareth خبر می‌دهد. وی می‌نویسد: «... به دلیل این نام، عیسی (ع)، یک Nazorraen نامیده می‌شد. ما که امروزه Christian نامیده می‌شویم، Nazarenes نام داشتیم ...» (Klijn & Reinink, 1973: 150). بنابراین اوسبیوس، کاربرد این نام را در زمان نامعلومی در گذشته تعیین می‌کند. به نظر می‌رسد که این نام، دیگر در روزگار اوسبیوس استفاده نمی‌شده بود. با این حال، نویسندگان مسیحی، به منظور خطاب فرقه‌های انحرافی که در ادبیات دینی جدید، مسیحیان یهودی<sup>۳</sup> نامیده می‌شدند، واژهٔ Nazoraean را به کار می‌بردند. آنها فرقه‌هایی از مسیحیت بودند که بنابر ادعای رقبایشان، آداب یهودی، خصوصاً

۱. ترتولیانوس (Quintus Septimus Florens Tertullianus)، متأله و جدل‌گرای مسیحی (۱۶۰-۲۲۰م) که در کارتاژ (تونس امروزی) می‌زیست. وی در خانواده‌ای بت‌پرست متولد شده بود و بعدها به مسیحیت گروید (Wilken, 2020).

۲. اوسبیوس قیصریه‌ای (Eusebius of Caesarea)، (۲۶۰-۳۳۹م)، اسقف قیصریه بود. وی توانست با نبوغ و استعدادش، قسطنطنیه را در ایجاد یک امپراتوری ارتدکس یاری دهد. اوسبیوس در صد بود تا مسیحیت را جهانی کند (Lyman, 2012: 1). وی در کتاب *Onomasticon*، دربارهٔ اسامی مکان‌های موجود در کتاب مقدس، اطلاعاتی به دست می‌دهد (Brock, 2011: 154).

۳. مسیحیت یهودی (Jewish Christianity)، پژوهشگران مسیحیت یهودی را از دودیدگاه بررسی می‌کنند: ۱. قومی، یعنی آن دسته از مسیحیانی که یهودی‌زاده بودند و عقاید مسیحیت را پذیرفته بودند. ۲. ایدئولوژیکی، نوعی از مسیحیت در قالب تفکرات یهودی که بعدها، با نوع هلنی آن متضاد شد (Jones, 2012). در واقع، پس اینکه پولس دین مسیح و بشارت انجیلی را از آسیا به اروپا برد و یونانیان را به این دین متمایل کرد، آنها با شم فلسفی و ذوق فکری غریزی، مبادی مسیحیت را تعبیر و تأویل کردند و حیات عیسی (ع) را مدار فلسفه یونانی در باب معرفت جهان قرار دادند و هاله‌ای مبادی کلامی و علم لاهوت در اطراف سیمای آن پیامبر ایجاد کردند که از نظر یهودیان، قابل قبول نبود. ربیان یهود در نوشته‌های خود به اعمال و افعال و سرگذشت حیات بشر کمتر توجه داشته و هدف ایشان، نجات قوم بنی‌اسرائیل و حفظ آن از زوال و فنا بود، از این رو، هیچ تأویلی در کتاب مقدس را جایز نمی‌شمردند و بنابراین مذهب یونانی مآب عیسوی را به دیدهٔ تنفر نگریستند و جنبهٔ هلنیسم آن را نپذیرفتند (ناس، ۱۳۵۴: ۳۷۱). مؤلفان اوایل مسیحیت، از مسیحیت یهودی با عنوان یک جنبش ارتدادی نام می‌بردند، با این حال، نمایندگان این فرق، خود در دستگاه دینی بوده‌اند. این مؤلفان، مسیحیت یهودی را به ۵ گروه متمایز طبقه‌بندی می‌کنند: ۱. Cerinthians، ۲. Ebionites، ۳. Nazoraean، ۴. Symmachian، ۵. Elkesaite (Klijn & Reinink, 1973: IX).

عمل ختنه و آیین روز سبت را انجام می‌دادند. در این مورد، نخستین ادعایی که در مورد کاربرد نام Nazoraean دیده می‌شود، مجموعهٔ عظیم ضد ارتدادی اپیفانیوس<sup>۱</sup> است که در حدود ۳۷۷م نوشته شده است. اپیفانیوس نیز مانند اوسیبیوس، مدعی است که در دورانی خاص، تمام مسیحیان با عنوان Nazoraean شناخته می‌شدند و وقتی رقبای پولس، او را رهبر Nazoraean خطاب کردند، او این لقب را رد نکرد، زیرا در آن زمان، مسیحیان با این نام شناخته می‌شدند (Epiphanius, 2009: 127). با این حال، اپیفانیوس ذکر می‌کند که این نام بعدها به گروهی از مرتدین اطلاق می‌شده که عیسی (ع) را مسیح و پسر خدا می‌دانستند، اما با این وجود، قوانین یهود را رعایت می‌کردند. همچنین آنها/انجیل متی را به زبان و خط عبری می‌خواندند. آنها یهودی هستند و لاغیر. یهودیان از آنها نفرت دارند و سه‌بار در شبانه‌روز آنها را نفرین می‌کردند و از خدا می‌خواستند تا Nazoraean را لعنت کند (Epiphanius, 2009: 130). وی موطن Nazoraean‌ها را در پلا<sup>۲</sup> واقع در مشرق رود اردن<sup>۳</sup> می‌داند و معتقد است که پس از معراج عیسی (ع)، هنگامی که حواریون، کلیسا را ترک کردند، Nazoraean‌ها متولد شدند. اپیفانیوس در اینجا با یک چالش روبه‌رو است. او از این که Nazoraean‌ها فرقه‌ای یهودی - مسیحی بودند آگاه است، اما این حقیقت نیز وجود دارد که تمام مسیحیان، در ابتدا با نام Nazoraean شناخته می‌شدند. وی این‌گونه نتیجه می‌گیرد که مسیحیان یهودی و مسیحیان اولیه نام مشترک داشتند و آن Nazoraean بود. اپیفانیوس در مقایسهٔ Nazoraean‌ها و Cerinthian‌ها، نقل می‌کند که Nazoraean‌ها برخلاف Cerinthian‌ها، عهد عتیق را پذیرفته بودند. با این حال، آنها با سایر یهودیان تفاوت داشتند، زیرا معتقد به عیسی (ع) بودند. همچنین آنها به معاد ایمان داشته و معتقد بودند که خدای بزرگ، جهان را آفریده و فرزندش عیسی (ع)

۱. Saint Epiphanius of Constantia (۳۱۵-۴۰۳م). او در تاریخ اوایل مسیحیت به دلیل تألیف ردیات فرقه‌های ارتدادی مشهور است. مهمترین اثر او Panarion است که ۸۰ آیین ارتدادی را معرفی و رد می‌کند (The Editors of Encyclopaedia Britannica, 2020).

2. Pella.

3. Jordan River.

۴. Cerinthian‌ها پیروان Cerinthus بودند. وی یک متاله مصری و یهودی‌زاده بود و این فرقهٔ کوتاه‌مدت را که گرایشات گنوسی داشت، پایه‌گذاری کرده بود. آموزهٔ فکری او این بود که جهان، توسط فرشتگان آفریده شده و قوم یهود از طریق یکی از آنها، شریعت ناقص خود را دریافت کرده است. تنها نسخهٔ عهد جدید Ceinthus به آن معتقد بود، انجیل متی بود (<https://www.britannica.com/biography/Cerinthus>).



است که منجی و مسیح خواهد بود (Klijn & Reinink, 1973: 44-45). به همین ترتیب، ژروم<sup>۱</sup> نیز اظهار می‌کند که در تمام کنیسه‌های شرق، در بین یهودیان، مرتدانی وجود دارند که توسط فریسیان<sup>۲</sup> لعنت می‌شوند و معمولاً Nazoraean خطاب می‌شوند (Klijn & Reinink, 1973: 200). قاعداً می‌بایست که میان اظهارات ترتولیانوس (سده ۲ م) که گفته است «... یهودیان، ما و تمام مسیحیان را با عنوان Nazoraean خطاب می‌کنند ...»، و گفته‌های اپیفانیوس و ژروم (در سده ۴م)، مبنی بر این که یهودیان، این عنوان را به فرقه‌های مشخصی از مسیحیت نسبت می‌دادند، یک تفاوت وجود دارد. ممکن است که در اصل، Nazoraean، یک نام یهودی بوده باشد، که به تمام پیروان عیسی (ع) اطلاق می‌شده است؛ خصوصاً به مسیحیان کنیسه‌ها، که قاعداً، یهودیان، نزدیک‌ترین ارتباط را با آنها داشته بودند. همچنین، ممکن است که برای تمایز مسیحیان در میان غیر یهودیان به کار برده می‌شده است. با این حال، به فاصله‌اندکی پس از آن، استفاده یهودیان از این واژه، محدود به یک یا چند فرقه مسیحی بوده باشد که مدعی وفاداری به قوانین مسیحیت یهودی بوده‌اند. در مورد خطاب‌شدن مسیحیان یهودی غیرکاتولیک با عنوان Nazoraean از سوی کاتولیکان اهل جدل سده ۴م، می‌توان گفت که بر اساس قوانین یهودی بوده است. همچنین محتمل است که مسیحیان ساکن در کنیسه‌ها نیز خود را Nazoraean نامیده باشند (De Blois, 2002:3).

## ۳-۲. متن کتیبه کعبه زردشت

در این کتیبه نام دین‌هایی که مورد تعقیب و سرکوب کردیر قرار گرفته‌اند، معرفی شده است. بعد از یهودیان که در ابتدای متن و به‌تنهایی یاد شده‌اند، به نظر برخی از پژوهشگران، دیگر دین‌های ذکر شده در این فهرست، به صورت سه جفت، معرفی شده باشند؛ بدین صورت که شمن و برهمن (ادیان هندی) با هم یک جفت تشکیل داده‌اند؛ مکتکی و زندیک (که ممکن است دو فرقه مغتسله و مانوی بوده باشند نیز به همین شکل با هم ذکر شده‌اند و سرانجام،

۱. ژروم (Jerome)، (347—419/420)، با نام اصلی Eusebius Hieronymus، مفسر کتاب مقدس بود. او خصوصاً به دلیل ترجمه کتاب مقدس از زبان عبری به لاتین که *وولگات* (Vulgate) نام دارد، مشهور است (Burghardt, 2020). وی در روزگار خود، تنها عالم مسیحی‌ای بود که می‌توانست کتاب مقدس عبری را مطالعه کند (Toy & Krauss, 1905: 115).

۲. فریسی (Pharisee). عضو فرقه‌ای که در دین یهودی، در حدود (۵۱۵ ق.م تا ۷۰ م)، در فلسطین شکوفا شد. اعضای این فرقه، عالمان و پارسایان بودند و عمدتاً اهل سیاست نبوده‌اند (<https://www.britannica.com/topic/Pharisee>).

نصورای و کریستیان (که ممکن است دو گونهٔ مختلفی از مسیحیت بوده باشند). از آنجایی که برخی دیگر از پژوهشگران، نصورای را به معنای مندایی در نظر گرفته‌اند، اگر *nāsrāyā* را به معنای منداییان در نظر بگیریم، در این صورت جفت مسیحی و مندایی، چندان منطقی به نظر نخواهد رسید. احتمالاً، در این کتیبه نیز همان الگوی مؤلفان سده ۴م و پس از آن رعایت شده است؛ یعنی واژه‌های Nazoraean و Christians به دو گروه از پیروان مسیح اطلاق می‌شد که خصوصاً در انجام ختنه و سایر آداب و رسوم دین موسی با یکدیگر متفاوت بودند. به عبارتی دیگر، واژه *Nāsray*، به یک (یا چند) گروه از «مسیحیان یهودی» و *Kristian* به یک (یا چند) گروه از مسیحیان پولسی<sup>۱</sup> اطلاق می‌شده است (De Blois, 2002:5).

## ۲-۴. متون مندایی

در کتاب مقدس منداییان که *گنزا ربا*<sup>۲</sup> نام دارد، روحی که نماد عیسی (ع) مسیح است، خود را یک Nazoraean معرفی می‌کند که در شهر ناصره متولد شده است (Lidzbarski, 1925:50). در پژوهش‌های معاصر، برخی از دانشمندان معتقدند که واژه *nāsrāy* در کتیبهٔ کردیر نمی‌توانسته به منداییان اطلاق شده باشد، زیرا تا قبل از ثئودر برکونی (اواخر سده ۸ م)<sup>۳</sup>، نام

۱. مسیحیت پولسی (Paulin Christians). این نوع از مسیحیت بر پایهٔ آموزه‌های پولس رسول پایه‌گذاری شده است. پولس یک یهودی متعصب بود. در سفری که به دمشق داشت، مکافه‌ای بر وی اتفاق افتاد و عیسی (ع) بر او ظهور کرد. از آن به بعد، دگرگونی در عقاید او حاصل شد. وی با تعمق بر احوال مسیحیانی که غیر مختون بودند، به این نتیجه رسید که آنها با وجود ایمان کامل به عیسی (ع)، به کلی از شریعت موسی (ع) بی‌خبرند و ای پایه اعمال و اخلاق ایشان بهتر و محکم‌تر از پیروان ظاهر شرع است. پس یقین حاصل کرد که باید بن‌های پوسیده شریعت موسی (ع) را رها کرد. وی به الوهیت عیسی (ع) معتقد بود. بر طبق تعلیم او، ایمان و پیروی از عیسی (ع) عبارتست از اینکه انسان، شخصیت خود را به وسیلهٔ مراسمی مانند تعمید و عشاء ربانی با عیسی (ع) متصل سازد و همان اعمالی را انجام دهد که عیسی (ع) انجام می‌داد. تقوا یکی از مهمترین اصول مسیحیت پولسی بود (ناس، ۱۳۵۴: ۴۱۲-۴۱۳).

۲. *گنزا ربا* (Ginza Rba)، مجموعه‌ای از متون مذهبی منداییان که به معنای «گنج بزرگ» است (Drower, 1953:34).

۳. ثئودر برکونی (Theodor Bärkney)، اسقف کلیسای شرقی در شهر کسکر بود. وی در اثر خود به نام *Book of the Scholion*، که حدود ۷۹۲م تألیف کرده، از مسیحیت شرقی سریانی در برابر فرقه‌های ارتدادی قبل از مسیحیت و پس از آن دفاع کرده است (Romney, 2011:158; Bladel, 2017:18). او در بخش ۱۱ این کتاب از چند فرقهٔ ارتدادی نام می‌برد. این ادیان و فرقه‌ها عبارتند از: دین زردشتی، مندایی، مانوی و ... (Butts, 2011a:406).

منداییان از سوی هیچ نویسنده دیگری گزارش نشده است. با این همه، نفوذ شدید و واضح مؤلفه‌های ایرانی بر آیین مندایی (مانند وام‌واژه‌های فارسی میانه، تأثیرات مذهبی آیین زردشتی، استفاده منداییان از تقویم ایرانیِ اواخر ساسانی)، شواهدی مبنی بر ساکن بودن منداییان در دوران ساسانی در جنوب سرزمین بابل را نشان می‌دهد. در اغلب متون مندایی، Nazoraean نامی است که منداییان برای خود برگزیده‌اند، در حالی که آنها مسیحی نبوده‌اند. در واقع، آنان پیرو دینی بوده‌اند که موکداً آن را از ادیان یهودی و مسیحی جدا دانسته‌اند (De Blois, 2002:7).

## ۲-۵. متون مانوی

در کفالا<sup>۱</sup>، که یک متن مانوی به زبان قبطی است، گفتگوی میان یک مانوی و یک Nazoraean گزارش شده است. فرد Nazoraean از شخص مانوی دربارهٔ خیر یا شر بودن خدای او سؤال می‌کند و مانوی در جواب به او می‌گوید که خدایش، قاضی است. Nazoraean در پاسخ می‌گوید که هیچ قاضی‌ای وجود ندارد که مرتکب شر نشود (The Kephalaia, 1995:229). از سخنان Nazoraean می‌توان فهمید که وی مسیحی یهودی و به‌خصوص مندایی نبوده است، زیرا مقابل قراردادن عدل و خیر، بدون شک یکی از اصول مرقونیان<sup>۱</sup> است (Gardner, 1995: 229). با وجود این، تا به حال مدرکی دال بر اینکه مرقونیان خود را Nazoraean نامیده باشند، به‌دست نیامده است. ممکن است که متن کفالا<sup>۱</sup>، تلفیقی از دو روایت گوناگون باشد: یا بحث میان یک مانوی و یک Nazoraean، یا میان یک مانوی و یک مرقونی (De Blois, 2002:5).

## ۲-۶. متون ارمنی

از میان متون ارمنی، در گزارش الیشه/ یغیشه<sup>۲</sup> دربارهٔ جنگ ساسانیان و ارمنیان، واژه nacrac'ik بسیار دیده می‌شود (Elišê, 1982: 80). در نسخهٔ ارمنی کتاب مقدس، واژه

1. Marcion.

مرقون، فرزند اسقفی در بندر سینوپ از بنادر جنوبی دریای سیاه بود که در بین سال‌های ۱۰۰-۱۶۳ م می‌زیست. وی مبتکر ثنویت در دین عیسی (ع) بود (مشکور، ۱۳۷۷: ۲۰۰). و عهد قدیم را رد می‌کرد (Greschat, 2013: 90). آموزه‌های او در غرب تا سده ۳ م کم‌رنگ شد. با این حال، در مشرق، خصوصاً در شرق سوریه، تا سده ۵ م (تا زمانی که محل اختلاف رهبران کلیساهای شرقی بود) ادامه پیدا کرد (Roth, 2014).

۲. Elišê، تاریخ‌نگار ارمنی که شاید در حدود ۴۰۰-۴۸۰ م می‌زیست (Shapira, 2008: 192).

nazovrec'i دیده می‌شود که به معنای Nazoraean است. این دقیقاً با واژهٔ سریانی nāsrāyā هم‌معناست. از آنجایی که نمونهٔ این واژهٔ ارمنی در جای دیگری دیده نمی‌شود، می‌توان احتمال داد که این نقل قول‌ها از یک متن سریانی منشأ گرفته باشند (De Blois, 2002:11).

## ۲-۷. متون سریانی

در فرهنگ‌های لغت سریانی، nāsrāyā به معنای مسیحی است. در ادبیات علمی معاصر، پژوهشگرانی مانند شمن<sup>۱</sup> معتقدند که این واژه، لغتی معمول است که در این‌گونه متون به مسیحیان اطلاق می‌شده است (Chaumont, 1988: 113). با این حال، واژه‌ای که به طور معمول در زبان سریانی برای اطلاق به مسیحیان استفاده می‌شده، Kristian بوده است. از سوی دیگر، nāsrāyā واژه‌ای نبود که مسیحیان، خود را با آن بخوانند، بلکه مؤلفان مسیحی این نام را وارد زبان غیر مسیحیان کردند. بیشتر این شواهد، در متون اعمال شهدای ایرانی دیده می‌شود، یعنی جایی که دین‌مردان زردشتی، متهمان مسیحی را Nazoraean می‌نامیدند (Smith, 2014: xlix, 76).

در دادگاه زردشتیان، پتیون<sup>۲</sup>، رهبر Nazaraean ها، در پاسخ به دین‌مردان زردشتی می‌گوید: «من رئیس Nazaraean نیستم؛ من بندهٔ خداوند و سرپرست مسیحیان (Kristyane) هستم» (Corluy, 1888: 16). در *رویدادنامهٔ زکریای دروغین*<sup>۳</sup> نیز این کاربرد را می‌بینیم؛ در این رویدادنامه، پس از تصرف شهر آمد توسط قباد، هنگامی که شاهنشاه ساسانی وارد کلیسایی در آن شهر شد و تمثالی از عیسی (ع) را مشاهده کرد، دربارهٔ آن پرسش نمود. فردی از همراهانش در پاسخ به او گفت که این پیکرهٔ خدای Nazoraean ها می‌باشد (Zacharia of Mytilene, 1899: 158). در جایی دیگر از همین رویدادنامه، آزارتس<sup>۴</sup>، فرمانده ایرانی، به بلساریوس<sup>۵</sup>، فرماندهٔ سپاه روم، پیامی مبنی بر به تأخیر انداختن جنگ

1. Chaumont.

2. Pethion.

۳. *رویدادنامهٔ زکریای دروغین* (Pseudo-Zacharias' Chronicle).

زکریای دروغین نام یک مؤلف گمنام سریانی در سدهٔ ۶م می‌باشد و احتمالاً یک راهب بوده است. وی با استفاده از منابع مختلف، رویدادنامه‌ای به زبان سریانی تألیف کرده و *تاریخ کلیسایی* اثر زکریای سخن‌ور، اسقف میتیلن (Mitylene) (در گذشته پس از ۵۳۶م) را نیز در آن گنجانده است. کتاب نهم این رویدادنامه مربوط به امپراتوری یوستینیانوس و یوستین دوم تا سال ۵۶۹م می‌باشد (Harrak, 2011:448).

4. Azarathes.

5. Belesarius.